تحلیل جامعه‌شناختی آیین دریایی «رزیف» در بندر کنگ

فرامرز خجسته*
بنیامین انصاری نسب**

تاریخ دریافت:۹۴/۱۲/۰۸
تاریخ پذیرش:۹۴/۱۲/۰۸

چکیده

مطالعه فرهنگ‌عامه از طریق رسانه‌های گوناگون،چون شعروقصه،موسیقی،باورها،زبانزدها و امثال‌وحکم و به‌ویژه آیین‌های اجتماعی ممکن می‌نماید.شناخت و تحلیل آیین‌های سنتی دریچه‌ای است به فهم جهان‌نگری توده‌های مردم در هر عصر و سرزمین؛رزیف ازجمله آیین‌های دیرپای مردمان ساحل‌نشین هرمزگان،به‌ویژه بندر کنگ-ازبنادر مهم در تاریخ دریانوردی ایران-است که در گستره چندین قرن اهمیت خاصی در جشن‌ها و اعیاد برخوردار بوده است.یافته‌های این مقاله بر پایه‌ی نظریه جامعه‌شناختی امیل دورکیم و با شیوه نشانه‌شناسی فرهنگی به توصیف نوع حرکت‌ها،موسیقی و تحلیل عناصر و کارکردهای اجتماعی سازنده این آیین پرداخته و نتیجه نشان می‌دهد که آیین در ایجاد وجدان جمعی و حفظ همبستگی اجتماعی برای ادامه حیاتِ مفید و ثمربخش جوامع، بسیار مهم و تعیین‌کننده است.

کلیدواژه‌ها: آیین رزیف،بندرکنگ،نشانه‌شناسی فرهنگی،وجدان جمعی،همبستگی اجتماعی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

مقدمه

مردم بندر کهن‌سال و قدیمی کنگ، همچون بیشتر ساحل‌نشینان، به اقتضای هم‌جواری با دریا اکثراً دریانورد هستند و کار عمده آن‌ها لنج سازی، ماهیگیری، توربافی، دریانوردی و مسافرت به شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس و سرزمین‌های دور و نزدیک مانند پاکستان، هندوستان، آفریقا و دریای سرخ بوده و هست.

کشتی‌سازی در بندر کنگ سابقه تاریخی دارد و شاید از زمانی که هسته مرکزی کنگ تشکیل شد و شهر با ساخته‌شدن خانه‌ها به خود شکل گرفت، صنعت و هنر کشتی‌سازی نیز با آن زاده شد، درگذشته فعالیت کشتی‌سازی کنگ بیش از امروز بوده است، به‌طوری‌که شاهان ایران ساختن کشتی‌های جنگی خود را به این بندر سفارش می‌داده‌اند. (نوربخش، 49:1374)

نادرشاه افشار برای تشکیل یک نیروی دریایی کارآمد و جنگنده دستور داد تا کشتی‌سازان کنگی که از قدیمی‌ترین کشتی‌سازان ایرانی بوده‌اند و کشتی‌های ساخت آن‌ها تا سواحل چین و افریقا و حتی مدیترانه می‌رفت، کشتی‌های جنگی برای نیروی ایران در خلیج‌فارس بسازند. (رایین، 650:1356)

کشتی به‌عنوان نماد و نشانه‌ای از نیروی انسان است، در حکم موجودي مجهز به توانمندی‌های نشانه شناختي که خود را با محیط پیرامون سازگار می‌کند و آن را تغییر می‌دهد. از طریق فرایند مستمر دگرگوني ، محیط پیرامون ما تغییر می‌کند و به اصطلاح "تاریخي" می‌شود. این جهان تاریخي شده‌ی پویاست که فرهنگ نامیده می‌شود. بنابراین از دیدگاه نشانه شناختي، برخلاف سنت‌های اومانیستي متفکراني چون ماتئو آرنولد، شاعر و ادیب انگلیسي که فرهنگ را بهترین آنچه در جهان اندیشیده شده و گفته‌شده است مي‌دانست و ادبیات و بخصوص شعر را قلمروي اصلي عینیت یافتن «فرهنگ» تلقي می‌کرد، فرهنگ یك دستگاه پیچیده‌ی نشانه‌ای است، یك نظام پیچیده‌ی دلالت که از طریق رمزگان‌هاي اصلي و ثانویه‌ی درونه شده‌اش گستره‌های معنایي را می‌آفریند و امکان مبادله‌ی معنا را فراهم می‌کند، و درواقع دربرگیرنده‌ی کل رفتارهاي معنادار انسان رمزگان‌هایی است که به آن رفتارها ارزش می‌بخشد و آن‌ها را قابل‌درک می‌کند.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

این دستگاه پیچیده‌ی نشانه‌ای که در اصل شبکه‌ای از روابط بین رمزگان‌ها و بین متون است و هم وجه اجتماعي دارد و هم وجه تاريخي، به‌خودی‌خود و در خود وجود ندارد. لوتمان و آسپنسكي می‌نویسند، در بسترنافرهنگ است که فرهنگ در حکم یك نظام نشانه‌ای پدیدار می‌شود ؛ به‌عبارت‌دیگر وجود هر فرهنگ و پویایي آن وابسته به وجود یک دیگری فرهنگي است که از دید اهالي آن فرهنگ، نافرهنگ، بدوي، طبیعي یا اولیه تلقي می‌شود. مطالعه نشانه شناختی فرهنگ نه‌تنها فرهنگ را در حکم نظامی نشانه‌ای تلقی می‌کند، بلکه باید تأکید کرد که رابطه‌ی بین فرهنگ با نشانه و دلالت یکی از جنبه‌های بنیادی رده‌شناسی را تشکیل می‌دهد (لوتمان، 52:1390). در این مقاله به آیین رزیف نیز به‌عنوان یک نظام نشانه‌ای می‌نگریم و کارکردهای اجتماعی عناصر سازنده‌ی آن را در جامعه‌ای موسوم به "جامعه دریانوردان" با استفاده از نشانه‌هایی که در این نظام فرهنگی وجود دارد تحلیل می‌کنیم.

نشانه‌شناسی فرهنگی آن‌طور که در مکتب تارتو تعریف‌شده است، هدفش تدوین الگویی است از آن الگوهای ضمنی که هر عضو فرهنگ در ذهن و روان و رفتار خود درونی ساخته است. بدیهی است که در موارد متعارف اعضای هر فرهنگ خود را داخلی (خودی) و اعضای دیگر فرهنگ‌ها را بیرونی (غیرخودی) در نظر می‌گیرند. در سمت خودی، زندگی منظم و معنادار است، بیرون از آن، آشوب و بی‌نظمی است که درک آن ناممکن است. همچنین خودی بسیار ارزشمند تلقی می‌شود. تحت این شرایط «متن» (که در اولین برخورد هرآن چه درون فرهنگ و قابل‌فهم باشد متن تلقی می‌شود.) نمی‌تواند بیرون از فرهنگ وجود داشته باشد. اما امکان بالقوه‌ی نامتن که از بیرون می‌آید و به متن تبدیل می‌شود منظور شده است. (سنسون، 76:1390)

فرهنگ‌ها پیوسته در حال از آن خود کردن دیگری به معنی گرفتن و تغییر دادن هستند. و همیشه در حال تعامل وبده بستان و گفتمان هستند. این آمیختگی تدریجی بین فرهنگی باعث غنای فرهنگی است و سبب می‌شود تا که فرهنگ از حالت ایستایی خارج شود و پیوسته خود را تغییر دهد درحالی‌که پیوسته خود باقی می‌ماند.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

فرهنگ، نه يك هستي ايستا، بلكه فرايندي است كه با توليد متن، انباشت و مبادله‌ی اطلاعات و انباشت متن در خزانه‌ی متون سروكار دارد. سازوكاری مركزی كه اين فرايند را به حركت درمی‌آورد سازوكار ترجمه است كه از يكسو با جذب و دروني و خودي كردن متون به انباشت و مبادله‌ی اطلاعات و درنتيجه به توليد متن و غناي خزانه‌ی متون كمك می‌كند و از سوي ديگر از طريق طرد، مرزهاي بين متن و نامتن را حفظ می‌كند و نقش ايدئولوژيكي متن را در حفظ هويت خودي در برابر به‌اصطلاح بيگانه، قوام می‌بخشد. البته اين جريان متناقض می‌نمايد و تناقض كار مترجم و ناممكني آنچه او در عمل انجامش می‌دهد از همين‌جا منشأ می‌گيرد.حال اگر اين الگوي فرهنگي خودمحور، الگويي كه خود را در كانون جهان می‌بيند و غير را هيولا، بدوي و آشوب، تعديل كنيم آنگاه در دوسويه‌ی اين دوگانه به‌جای فرهنگ و نافرهنگ (طبيعت) فرهنگ خود و فرهنگ ديگري، متن خود و متن ديگري خواهيم داشت. هر فرهنگي و هر مجموعه‌ای از متون پيشينه‌ی خود و تاريخ بده بستان‌ها و تجربه‌های خود را از ترجمه‌ی بين فرهنگي و آميزش بين فرهنگي خواهد داشت و در عين خود بودن در همه‌ی تاريخ و در دوره‌ی معاصر بيشتر وابسته به ديگري فرهنگي بوده است.نشانه‌شناسی فرهنگی طرح نظريه خود و ديگری فرهنگی و شكل‌گيری هويت فرهنگی است. (سجودی، 55:1388)

انباشت فرهنگی مانع از اين واقعيت نمی‌شود كه مؤلفه‌های مجزای آن و برخی اوقات مؤلفه‌های بسيار اساسی آن تثبيت‌شده به نظر برسند.از همين روست كه برای مثال پويايی‌های زبان‌های طبيعی بسيار كندتر از تحولات ديگر نظام‌های نشانه شناختی است در حدی كه زبان در قياس با هريک از آن‌ها چونان نظامی به لحاظ همزمانی ثابت به نظر می‌رسد.با اين‌وجود فرهنگ قادر است با خلق زوج ساختاری «ايستا-پويا»حتی از همين وضعيت نيز اطلاعاتی استخراج كند. (لوتمان، 71:1390)

و زمانی كه می‌گوييم فرايند ارتباطی،بی‌ترديد دست‌كم دو عامل در برقراری ارتباط دخالت دارند،يعنی با فرايندی اجتماعی،به معنی تعامل بين انسانی آن،سروكار داريم.پس هيچ‌چيز نشانه نيست مگر اينكه در يک جامعه‌ی انسانی در عمل

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

به‌مثابه نشانه به کار رود، و به‌مثابه نشانه دریافت شود. (سجودی، 192:1390)

به نظر می‌رسد بهتر است واژه‌ی نشانه را برای نام واحدی به کاربریم که از صورت محتوایی و صورت بیانی تشکیل‌شده است و به‌موجب پیوندی که ما نقش نشانه‌ای نامیده‌ایم شکل‌گرفته است. نقش نشانه‌ای زمانی تحقق می‌یابد که بین دو نقش گر (بیان و محتوا) نوعی همبستگی دوسویه به وجود بیاید، همان نقش گر ممکن است در پیوندی دیگر شرکت کند و درنتیجه به نقش گری متفاوت بدل شود و نقش نشانه‌ای جدیدی به وجود آید. بنابراین نشانه‌ها نتیجه مشروط قوانین رمزگردانی هستند که پیوند موقتی و ناپایدار عناصر را موجب می‌شوند و هریک از این عناصر ممکن است در پیوند دیگر شرکت کنند و درنتیجه نشانه‌ی جدیدی شکل بگیرد. (همان، 194)

ادبیات نظری:

امیل دورکیم، جوامع ابتدایی (بدوی)، اولیه (سنتی)، دیرین (بی‌خط) و قطاعی (تیره‌ای) را دارای همبستگی مکانیکی یا ساختگی می‌داند؛ به عبارتی افراد کلان سروته یك کرباسند و هرکس همان است که دیگران هستند. وی جوامع مدرن و جدید (غیر سنتی) را دارای همبستگی ارگانیکی و اندامی می‌داند به بیانی ساده‌تر، دورکیم به مسأله کیفیت و تقسیم‌کار اجتماعی از کار تخصصی پرداخته است. در نظر او کار تخصصی مولود و نتیجهٔ کار اجتماعی است. او اجتماعات ابتدایی را دارای همبستگی مکانیکی می‌داند که چنین همبستگی‌ای، آن‌ها را اداره می‌کند. همبستگی مکانیکی مقابل عناصر مشابه و اجزای همگن در یك کل اجتماعی فاقد تمایزات داخلی است؛ ولی ارگانیکی از تقسیم‌کار اجتماعی و فرآیندهای آن منبعث می‌شود.

دورکیم معتقد است با دسته‌بندی شدن فعالیت‌های مختلف فردی در نهادهای مختلفی که در کار خود تخصص دارند، جامعه به لحاظ ساختاری و کارکردی دستخوش دگرگونی و تفکیك می‌شود. افراد و نهادها بر اساس تمایزها و ناهمسانی مکمّل (که آنان را به شکلی متقابل به یکدیگر وابسته می‌کند)، به هم مرتبط می‌شوند. وجدان جمعی ضعیفتر شده و حالتی انتزاعی پیدا می‌کند و امکان رشد فردیت و آزادی را فراهم می‌سازد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

همبستگی مکانیکی که بر پایه‌ی مشابهت و وجدان جمعی قدرتمند بناشده به‌طور فزاینده‌ای جای خود را به تقسیم‌کاری می‌دهد که محصول یك همبستگی ارگانیك است. این نوع همبستگی بر اساس وابستگی متقابل دوسویه افراد و گروه‌ها به یکدیگر شکل می‌گیرد (آرون، 345:1387). می‌توان جامعه‌ی ارگانیک دورکیم را به‌نوعی سیستم یا نظام سوسوری یا «ساختار» ساختارگرایان بعدی دانست که نشانه‌ها (و می‌توان گفت افراد) معنا و هستی خود را در ارتباط و تفاوت با دیگر نشانه‌های درون نظام و ساختار کسب می‌کنند. به سخن دیگر در جامعه‌ی ارگانیک دورکیم، هستی هر فرد نه در گروه مشابهت و همسانی‌اش با دیگر افراد بلکه در تفاوتی است که با دیگران دارد. وجدان جمعی موردنظر دورکیم مجموع اعتقادات و احساسات مشترک در میان افراد یک جامعه است،درواقع مجموعه تمام تصورات فردی از وجدان که در سطح اجتماعی وجود دارد و از عوامل تعیین‌کنندهٔ انتظارات فرهنگی در رفتار افراد است.وجدان جمعی را می‌توان از چهار بعد ظرفیت(تعداد افراد)،شدت(عمق احساس افراد)،تصلب(نحوه تعریف)،درون‌مایه (نحوه شکل‌گیری)متفاوت دانست. جامعه‌شناسی دورکیم به جامعه و فرهنگ می‌پردازد نه به کنش و انگیزش فردی؛جامعهٔ کارکردی دورکیم کلی است که افراد،گروه‌ها،سازمانهاونهادهای اجتماعی اجزای آن را تشکیل می‌دهند و نقش جامعه اجرای کارکردهای - ضروری است برای رفع نیازهای اجتماعی افراد (دیلینی، 156:1391). وجدان جمعی شمال و جنوب نمی‌شناسد،در شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک همان است و در حرفه‌های متفاوت فرقی نمی‌کند؛وجدان جمعی در ضمن با عوض شدن هر نسل تغییر نمی‌کند بلکه،برعکس عامل پیوند نسل‌های پیاپی با یکدیگر است (دورکیم، 77:1390).

بسیاری از پژوهشگران این حوزه معتقدند که عقیده و کنش به هنگام برگزاری آیین یکی می‌شوند،همان‌گونه که یک مؤمن در حین عبادت دینی،ایمان خود را متبلور می‌کند و دنیایی را می‌سازد که در آن،ایمان امری واقعی است.بنابراین اولین نکته در باب آیین این است که آیین تنها شکل یا فرایندی از تفکر نیست،بلکه شکلی از کنش به شمار می‌آید.آیین چیزی است که مردم با بدنشان انجام می‌دهند،همان‌طور که با اندیشه‌شان

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

آن را اجرا می‌کنند و به آن شکل بیرونی می‌بخشند، اگرچه داده‌های تاریخی و تطبیقی نشان می‌دهد که ممکن است شکل بیرونی آیین مستقل از اندیشه‌ای که همراه آیین است تغییر کند، آیین غالباً برای مشارکت‌کنندگانش تغییر شکلی خود را استعلا می‌بخشد، بدین‌وسیله که تغییر آیین به‌وسیله خلق وحدتی تجربی از اندیشه و منش محقق می‌شود (رودنبولر، 39:1389).

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس روش مردم‌نگاری و تحقیقات میدانی به‌صورت مشاهده مشارکتی صورت گرفته است. مشاهده مشارکتی یکی از راه‌های انجام مردم‌نگاری است، یعنی شرکت در زندگی اجتماعی جامعه موردبررسی؛ در مردم‌نگاری بیشتر از مشاهده مشارکتی استفاده می‌شود تا مشاهده بدون مشارکت، و دلیل آن به دست دادن فهم عمیق‌تر از جامعه است. درواقع مردم‌نگاری نوعی روش در مطالعه میدانی همزمان با تحلیل اسناد و مدارک، مصاحبه با پاسخ‌دهندگان و افراد صاحب‌نظر، مشارکت و مشاهده مستقیم و درون‌نگری است. مراحل مشاهده‌ی مشارکت آمیز را می‌توان به‌قرار ذیل معرفی کرد:

مشاهده توصیفی: این اولین مرحله در مشاهده مشارکت آمیز است و طی آن محقق به‌طورکلی با جامعه موردتحقیق آشنا می‌شود و می‌تواند توصیفی کلی از آن ارائه دهد.

مشاهده متمرکز: در این مرحله بر مشکلات و مسائلی که برای سؤالات تحقیق شما مهم‌ترند، تمرکز می‌یابید.

مشاهده گزینشی: مرحله پایانی مشاهده است و در این مرحله شواهد و مثال‌های بیشتری منتج از مشاهدات خویش، می‌یابید (فلیک، 1391: 246-247). داده‌های به‌دست‌آمده در این تحقیق بر اساس تکنیک نشانه شناختی و جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرارگرفته‌اند. نشانه یک مفهوم تحلیلی است و تحلیلگر ابتدا درهرحال با متن (هر کنش ارتباطی به‌مثابه متن تلقی می‌شود) روبرو می‌شود و سپس برای تحلیل متن به ابزاری به نام «نشانه» و چگونگی همنشینی آن با نشانه‌های دیگر در نظام نشانه‌ای دیگر متوسل می‌شود. در نشانه‌شناسی لایه‌ای متن از لایه‌های متعددی تشکیل‌شده است که شاید برخی نسبت به دیگران

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

اصلی‌تر به نظر برسند،ولی در دلالت‌های متن همه‌ی لایه‌ها می‌توانند به یک اندازه اثرگذار باشند و معنی حاصل برهمکنش بین لایه‌های متنی،دانش پیشین،رمزگان ها،رمزگان های فرعی و... است.نشانه همیشه در عمل واقعی ارتباطات بین انسانی در درون‌متن رخ می‌دهد و در فضایی کاملاً نسبی و در برهمکنش با دیگر نشانه‌ها و دیگر لایه‌های متنی دلالت می‌کند.

رزیف

رزیف مراسمی است که به‌منظور ابراز شادی و نشاط در عروسی‌ها و اعیاد بندرکنگ برگزار می‌شود.این مراسم در میدانی نزدیک منزلی که در آن عروسی است، اجرا می‌گردد. در میدان، دو گروه که تعداد هریک بین 8تا 20تن متغیر است، در مقابل هم قرار می‌گیرند ؛ هریک از نفرات خیزرانی در درست دارد که از آن برای اجرا استفاده می‌کنند.در اجرای مراسم هریک از افراد گروه در هر ردیف دست چپ خود را دور کمر نفر بعد حلقه می‌کند و با دست راست که خیزرانی در آن قرار دارد به اجرای حرکات و فرم‌های خاصی می‌پردازد.

نوازندگان این گروه که کاراصلی را بر عهده‌دارند در وسط میدان قرار می‌گیرند و دو گروه در دو طرف این نوازندگان قرار دارند.افراد نوازنده شامل : سه نفر نوازنده دُهُل،دو نفر نوازنده دایره[1] ،و یک یا دو نفر شِلِنج[2] زن هستند.

با قرار گرفتن هریک از اعضا در جای خود و کوک سازها، نوازندگان شروع به نواختن می‌کنند و خواننده یا "نهیم" که معمولاً فردی باتجربه است و درگذشته این نقش را بر عهده‌ی ناخداهای مسن و باتجربه می‌گذاشتند، آغاز به خواندن می‌کند. اشعار اغلب عربی است و گاهی زبان سواحلی نیز شنیده می‌شود.خواندن بدین‌صورت است که از دو نفر نهیم یک نفر می‌خواند و دیگری ادامه آن بیت را با لحنی سنگین‌تر بیان می‌کند،تفاوت لحن صدای دو نهیم نظم و ریتم خاصی را به موسیقی می‌دهد.

تاریخچه رزیف (رقص خیزران)

[1] Dayereh:نوعی دف است که اندازه آن کوچک‌تر از دف است

[2] Shelenj:سنج کوچکی است که یک قطعه را ثابت گرفته و قطعه دیگر را بر روی آن می‌کوبند

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

رزیف جزئی از آیین‌ها و آواهای کار است،ازاین‌رو با تغییر شرایط و ضرورت‌های کار به دنبال تبدیل جهازهای بادی به لنجهای موتوری که سبب شد تا کارهایی مانند برافراشتن بادبان یا کشیدن لنگر با آن آداب‌ورسوم خاص ، یا صیادی و جمع‌آوری تور ماهیگیری به‌صورت دسته‌جمعی از میان برود، برای حفظ و بقای این آیین آن را با ترکیبی از رقص خیزران در جشن‌های عروسی به نمایش گذاشتند تا در کنار آن به یادآوری و حفظ میراث موسیقیایی پدران و آنچه بر آن‌ها گذشته و رنج و مشقت‌های که برای به دست آوردن لقمه‌ای نان تحمل کرده‌اند، یاری رسانند و این آیین را به نسل‌های آینده منتقل کنند.رزیف درگذشته رقص شمشیر بوده است و به‌ضرورت تحولات تمدنی اکنون رقص خیزران است و جوهره و کارکرد انسانی آن ایجاد اتحاد و همبستگی است؛ بنابراین بیشتر موسیقی حماسی محسوب می‌شود و خواندن آن اشعار برای ترغیب مردم به دفاع و جنگیدن از خاک سرزمین بوده است. رزیف برگرفته از واژه رزیف است که به از قرار گرفتن افراد در دو ردیف به هنگام اجرا اشاره دارد. این مراسم در جزیره قشم بنام‌عضوا یاعصوا معروف است،گویا این نام از خیزران به‌عنوان عصا گرفته‌شده که به‌مرورزمان به عصو ا تبدیل‌شده است.

یافته‌های تحقیق

حرکت شماره یک، افراد ایستاده دست چپ را دور کمر نفر بعدی حلقه می‌کنند درحالی‌که در دست دیگر خیزرانی دارند،نوازندگان رو به هر ردیف که قرار گیرند آن ردیف رقص را آغاز می‌کند رقصی که با حرکات منظم فرم‌های خاصی اجرا می‌شود بدین‌صورت که خیزران را به سمت جلو و نزدیک به تنه بالا می‌آورند و گاهی روی پای چپ آمده و تنه را به آن‌طرف متمایل می‌کند و دوباره پا را عوض کرده روی پای راست آمده و تنه را به جهت مخالف هدایت می‌کنند و همزمان خیزران را به سمت چپ یا راست با رعایت مکث همراه ریتم موسیقی حرکت می‌دهند.در ردیف مقابل که پشت نوازندگان قرار دارند خیزران را روی شانه قرار داده و همین حرکات چپ و راست شدن را اجرا می‌کنند تا زمانی که نوازندگان روبه آن‌ها می‌آورند پس آن‌ها خیزران‌ها را از شانه پایین آورده و رقص خیزران را به آن می‌افزایند.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

حرکت شماره دو،ردیفی که موسیقی رو به آن‌ها نواخته می‌شود همان فرم‌ها و ریتم حرکت یک را انجام می‌دهند.درحالی‌که ردیف مقابل خیزران را به‌صورت افقی در مقابل سینه آورده و انتهای خیزران هر نفر را شخص کناری در دست می‌گیرد و این تا انتهای ردیف ادامه دارد و بدین‌صورت یک خیزران واحد را تشکیل می‌دهند سپس همراه با ریتم آرام‌آرام گام‌به‌گام تا پشت سر نوازندگان که نزدیک ردیف مقابل می‌نوازند جلو می‌آیند و هم‌زمان در هنگام جلو آمدن این خیزران واحد را به بالا و پایین به همان شکل افقی حرکت می‌دهند. وقتی نزدیک نوازندگان رسیدند نوازندگان رو به آن‌ها چرخیده و آن‌ها همین حرکت را تا برگشتن به‌جای نخست اجرا می‌کنند و هنگامی‌که در جای اولیه مستقر شدند به همان حرکات ریتمیک اولیه چپ و راست می‌پردازند. در این هنگام ردیف مقابل به پشت سر نوازندگان رسیده و همان حرکات را اجرا می‌کنند.

حرکت شماره سه، تمامی افراد به‌صورت حلقه‌ای می‌نشینند و مانند گذشته خواننده و نوازندگان در وسط این حلقه جای دارند،نهیم در اینجا یک نفر است او هم مانند بقیه نشسته و اشعارش را می‌خواند.پس از اتمام یک شعر تمامی افراد همراه باهم دست زدن را باریتم شدیدی با همراهی موسیقی آغاز می‌کند؛این دست زدن ناگهان قطع می‌شود و دوباره همزمان شروع می‌شود این مکث و قطع شدن موسیقی و دست‌ها به‌طور متوالی و با مکث‌های متفاوت تکرار می‌شود،این حرکات به هماهنگی بسیاری بین نوازنده و افراد گروه نیاز دارد افراد باید کاملاً گوش به نوای دهل‌ها بسپارند تا در هنگام تغییر ریتم و قطع آواز نهیم ریتم از ضرب نیفتاده و شروع دست زدن‌ها ضد ضرب نباشد.

تحلیل یافته‌ها

در آیین رزیف دو چیز از اهمیت و نمود بیشتری برخوردار است: حرکت و موسیقی. به همین دلیل آن‌ها را به‌عنوان سمبل و نماد شاخص این آیین با استفاده از تحلیل جانشینی نشانه‌ها و تحلیل جامعه‌شناختی دورکیمی موردبررسی قرار می‌دهیم.

الف) حرکت‌ها

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

حلقه کردن دست دور کمر یکدیگر به‌عنوان یک دال در یک ردیف به‌طور منظم مدلول و نشانی از اتحاد و همدلی میان کسانی است که در جهازهای بادی کار می‌کردند. این حلقه‌ها هریک به‌مثابه حلقه‌های زنجیری هستند که پاره شدن آن‌ها باعث از هم گسستن زنجیره کار در جهاز می‌شود زیرا درستی انجام کار هریک از جاشوان بر روی دریا از پیوستگی زنجیروار برخوردار است و اختلال در کار هر یک موجب ایجاد مشکل درروند کاری سایر جاشوان و درنهایت جهاز می‌گردد.

حرکت شماره یک،برگرفته از حرکت پارو زدن جاشوها روی ماشوه[3] هنگام رفتن به سمت جهاز است،حرکتی که با رفت‌وبرگشت پاروزن با جهت حرکت پاها کاملاً هماهنگ است.به‌طوری‌که هنگام خم شدن به سمت راست برابر با کشیدن پارو به سمت بالا و خم شدن به سمت چپ برابر با هدایت پارو به سمت پایین است و این حرکت تا رسیدن ماشوه به جهاز ادامه داشته است.



[3] [3] Mashoveh:قایق‌های کوچک پارویی که ظرفیت حمل شش تا هشت نفر را داشته‌اند

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

حرکت شماره دو، خیزران‌ها با کنار هم قرار گرفتن در یک خط افقی خیزران یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند که در اینجا معادل با طناب بزرگی است که در جهازها برای بالا کشیدن بادبان استفاده می‌شود و به دلیل سنگین بودن بادبان همیاری همهٔ افراد را طلب می‌کند. این حرکت بالا و پایین کردن خیزران یکپارچه نشان از کشیدن طناب بزرگ برای برافراشتن بادبان بوده است.علاوه بر این حرکت افراد هر دسته تا رسیدن به پشت نوازندگان و برگشتن نوازندگان به سمت آن‌ها و برگشتن افراد آن دسته به‌جای اولیه خود تداعی‌کننده حرکت موج دریایی است که به مانعی مانند صخره یا بدنه جهاز برخورد می‌کند و دوباره به‌جای اولیه خود بازمی‌گردد.



حرکت شماره سه،پایان سفر است؛سفری طولانی و پرخطر که به‌سلامتی بازگشتن از چنین سفری البته باید با جشن و شادمانی گرامی داشته شود. و این دست زدن‌ها نشان از شادی بازگشت به سرزمین خود و خانواده است و بیشتر اشعاری که در اینجا خوانده می‌شود در ستایش و مدح و ثنای حضرت رسول(ص) و شکرگزاری از درگاه خداوند است.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]



ب) موسیقی

موسیقی از دیرباز در اغلب ارکان زندگی مردم نقش داشته و انسان‌ها در وضعیت مختلف از آن استفاده می‌کرده‌اند، از همین رو است که ما شاهد انواع موسیقی از قبیل موسیقی مذهبی، حماسی، رزمی، عرفانی، بزمی، جشن و عزاداری و ... هستیم. اما موسیقی حماسی در موسیقی نواحی ایران تاریخی به پیشینه‌ی سترگ این سرزمین دارد.

یکی از دلالت‌های نشانه‌شناسی فرهنگی در رزیف موسیقی خاص این آیین است؛به دلیل مبادلات تجاری بین ساحل‌نشینان کنگ و بنادر سایر سرزمین‌ها به‌خصوص کشورهای عربی و آفریقایی نوع موسیقی و اجراها بسیار به هم شبیه هستند به‌طوری‌که آوازهای کاری که در رزیف خوانده می‌شود به زبان عربی و سواحلی هستند. آوازها و نغماتی که در هنگام کاربر روی لنج و دریا خوانده می‌شود از مهم‌ترین و متنوع‌ترین بخش‌های موسیقی کار در بندرکنگ محسوب می‌گردد. به این نغمه‌ها در کنگ «نَهمِه»[4] و

[4] nahme

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

طبق تحقیق شریفیان(1384) در مناطق دیگر مثل جزیره خارک «انهم»[5]یا «نهم»[6]می‌گویند. و در روستاهای ساحلی به آن نهمه می‌گویند. آوازهای دریایی، جهت سرگرمی و نیز رفع خستگی و ایجاد هماهنگی در کارهای گروهی خوانده می‌شوند.

از ویژگی‌های ترانه‌های کار،هماهنگی کامل شعر و طنین موسیقایی آن‌ها با حرکات بدنی کارورزان و ابزار مورداستفاده کار است.این آواها و نهمه ها به لحاظ ریتم و آهنگ کلام به نیازهای حسی و عاطفی کارورزان پاسخ می‌دهد.هماهنگی موسیقی باعث تجهیز روانی نیروی کار و تحقق انجام کار دل‌انگیز و انتقال فرهنگ،به‌عنوان بخشی از ثروت معنوی جامعه می‌شود که از دیگر کارکردها و ویژگی‌های ترانه‌های کار محسوب می‌شوند.

سازها و ابزار موسیقی که در آیین رزیف مورداستفاده قرار می‌گیرد شامل:سازهای کوبه‌ای مانند دهل، کَسِر[7] ،پیپه[8] و دف یا دایره و ساز برنجی مانند شلنج یا سنج کوچک است.موسیقی در آیین رزیف،شامل آواها و موسیقی کار و همچنین موسیقی حماسی است.

ریتم نهمه، گاه تند گاه کند، متناسب با کاربرد آن است. نهمه ها اصولاً به معنای آوازهای دریایی است و به‌منظور تهییج، تشویق و ترغیب ملوانان و حفظ روحیه و ایجاد تنوع اجرا می‌شوند. برخی از این آوازها دارای مضمون حماسی‌اند. نهمه توسط یک تکخوان و پاسخ دسته‌جمعی سایر جاشوها اجرا می‌شود. تکخوان همان سرهنگ است که رهبری گروه را به عهده دارد و گاه این مسئولیت را ناخدا به عهده می‌گیرد.

آواها و نواهای "نهمه"، در تهییج روحیه کارکنان کشتی (جاشوها) و تحمل کارهای طاقت‌فرسای دریانوردی، بسیار اهمیت دارد. این نهمه ها درگذشته از تنوع بیشتری برخوردار بوده‌اند، به‌گونه‌ای که برای هرکدام از فعالیت‌های گروهی مانند افراشتن شراع (بادبان)، لنگر، تور و دیگر ادوات

[5] anham
[6] naham
[7] Kaser :نوعی دهل است که اندازه آن از دهل اصلی کوچکتر است
[8] pipeh

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

صید، میداف زدن (پارو کشیدن) بارگیری و تخلیه بار، نهمه ی ویژه ای خوانده می‌شده است.

در بخش حماسی موسیقی رزیف،بیشترین کار بر عهده ریتم است. درحرکت اول موسیقی با اجرای ریتم دهل‌ها و ضربا‌هنگ‌های هماهنگ شلنجها و ضربه‌های سریع گاه و بی گاه دایره،مردم را فرامی‌خواند و خبر از شروع حماسه‌ای می‌دهد.پی‌رنگی که شلنج یا همان سنج کوچک به ریتم در حال اجرا می‌دهد،به‌خصوص درحرکت سوم با حرکات‌های پیاپی و شدید نقش نمادینی از موسیقی حماسی را به نمایش می‌گذارد. در حرکات یک و دو که در آن نوازندگان و رقصندگان خیزران در آن ایستاده‌اند هنگام چرخش نوازندگان به سمت ردیف دیگر نوازنده دهلی که در وسط قرارگرفته هنگامی‌که رو به آن‌ها می‌چرخد دهل خود را بالا، بر روی یکدست گرفته و با دست دیگر که چوبی در آن قرار دارد بر روی آن می‌کوبد و به جلو می‌رود و رقصندگان خیزران را به عقب می‌راند او با این حرکت بر تسلط دهل بر ریتم و حرکت رقصندگان تأکید می‌ورزد.کوبش دهل از جایگاه بالاتر از حد معمول به‌عنوان نماد سلطه موسیقی بر فرد رقصنده در سایر آیین‌های جنوب مانند زار نیز دیده می‌شود،او با هر کوبشی بر دهل فرد را پایین‌تر برده و با مسلط شدن او را با ریتم دلخواه خود هماهنگ می‌سازد،این حرکت نمادین در موسیقی حماسی از جایگاه و نقش مسلط فرهنگ خودی بر دیگری حکایت دارد،همچنین انجام حرکت‌هاوموسیقی خاص در آیین رزیف برای ایجاد تمایز بین خود و دیگری است. در اینجا گروه اجراکننده به‌مثابه خود و تماشاگران حاضر در مجلس به‌عنوان دیگری محسوب می‌شوند،تمایز ایجادشده در طول اجرای مراسم باعث بازتولید هویت جمعی می‌شود.

نقش نشانه‌ای موسیقی حماسی رزیف در شرایط اجتماعی و موقعیت درزمانی گذشته با رمزگشایی نزد شنونده باعث تحریک و تهییج مردم برای دفاع از میهن می‌شد؛حال اینکه امروزه این نوع موسیقی خاص به خاطر تولیدشان اجتماعی فردی است که مورداستفاده قرار می‌گیرد. برای اینکه به دیگران(دیگری) نشان دهد که آن‌ها متعلق به گروه اجتماعی خاصی هستند و این مساله باعث می‌شود تمایز، شأن و منزلت اجتماعی گذشته بازتولید شود.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

لباس سفید،نوع اجرا و انجام حرکات و موسیقی به همراهی نهمه های که خوانده شود را می‌توان دال‌هایی محسوب کرد که با قرار گرفتن در ساختار گروه اجتماعی موسوم به «جامعه دریانوردان»، مدلول‌های خود یعنی نیازها،باورها،قراردادووجدان جمعی را ایجاد می‌کنند و با هویت بخشیدن به این جامعه، آن‌ها آنان را از سایر گروه‌ها و طبقات اجتماعی متمایز می‌سازد.

جوامع سنتی دارای همبستگی مکانیکی هستند اما با توجه به مطالعه و پژوهش حاضر، در منطقه کنگ،درون جامعه سنتی شهری علاوه بر همبستگی مکانیکی، همبستگی ارگانیکی نیز در جامعه دریانوردان‌وجوددارد؛جهازهای‌بادبانی‌باتوجه‌به تقسیم‌کارهای گوناگون بین ناخدا،سرهنگ،جاشوان،...و تخصصی شدن کار هریک از افراد و نیاز آنان به خدمات سایر افراد انسجام ارگانیکی را به وجود می‌آورد، زیرا درعین‌حال که درون یک جامعه (جهاز) زندگی می‌کنند و برای مدتی طولانی به سفرهای چند ماه می‌روند تقسیم‌کار از ساختار اجتماعی و اقتصادی تفکیک‌شده‌ای برخوردار است به‌طوری‌که کارها بسیار وسیع و دقیق‌تر و مشخصاًبصورت تخصصی‌شده وجود دارند.این تفکیک یافتگی یا به عبارتی تخصصی شدن باعث می‌شود افراد ارتباط با یکدیگر را حفظ کنند و این امر پیوند بین آنان را مستحکم می‌سازد و چنین پیوندهای به شکل‌گیری نوعی اخلاق گروهی در تقسیم‌کار کمک می‌کنند. همین‌که تقسیم‌کار منشأ همبستگی در جامعه شد،هم‌زمان ،اساس نظم اخلاقی نیز می‌شود.صورت گرفتن اجماع در جوامع مبتنی بر همبستگی ارگانیک،ناشی از این واقعیت است که اعضای جامعه برای بهره‌گیری از خدمات یکدیگر به هم وابسته‌اند(پیوند اجتماعی)و این خود ناشی از وجود تقسیم‌کاری دقیق در این جوامع است. ازاین‌رو افراد جامعه (جهاز) هستی اجتماعی خود را نه از رهگذر همسانی بلکه به‌واسطه تفاوت در پیوندی ارگانیک . سازمند با گروه متبلور می‌سازند.

چهار بعد متفاوت وجدان جمعی یعنی ظرفیت(تعداد افراد) ،شدت(عمق احساس افراد) ،تصلب(نحوه تعریف) ،درون‌مایه (نحوه شکل‌گیری) در جامعه دریایی چنین است، هرچه ظرفیت افراد درون جهاز(جامعه) بیشتر باشد

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

درون‌مایه و نحوه شکل‌گیری وجدان جمعی بین آنان سریع‌تر اتفاق می‌افتد، *افزایش حجم جامعه* یا جمعیت و *تراکم مادی و اخلاقی* دوعاملی هستند که دورکیم در این رابطه مؤثر می‌داند، حجم جامعه به تعداد افرادی که به یک اجتماع تعلق دارند، و نیز به میزان افزایش و انباشتگی جمعیت در آن جامعه، مربوط می‌شود. ولی باید توجه داشت که این افزایش کمّی، به‌تنهایی نمی‌تواند علت تفکیک ساختی یا تمایز پذیری اجتماعی به شمار آید، آنچه توأم با این افزایش می‌تواند به توسعه‌ی تقسیم‌کار و تفکیک کارکردی برسد، میزان تراکم مادی و اخلاقی است. مراد از تراکم مادی، نسبت افراد به سطح معینی از خاک است؛ در اینجا به دلیل اینکه ازنظر موقعیت مکانی بر روی دریا قرار دارد و تنها خشکی موردبررسی جهاز بادبانی است بنابراین تراکم را نسبت به سطح معینی از جهاز در نظر گرفته‌ایم یعنی افزایش جمعیت در سطح معین و محدودی از جهاز؛ و منظور از تراکم اخلاقی عبارت است از شدت ارتباطها و مبادلات بین افراد؛ هرقدر مناسبات بین افراد بیشتر باشد، هرقدر آنان بیشتر باهم کار کنند، هرقدر مناسبات تجاری یا رقابت بیشتر باشد، شدت تراکم بیشتر است. بنابراین افزایش جمعیت در واحد سطح همزمان با افزایش روابط میان همان جمعیت عامل تحول جامعه مکانیکی به‌سوی جامعه پیچیده و ارگانیک به شمار می‌رود. همچنین هرچه درجه شغلی افراد تخصصی‌تر و سمت آن‌ها بالاتر باشد نسبت به انجام کارها سختگیری و شدت عمل بیشتری از خود نشان خواهند داد. ناخدا و سرهنگ نسبت به عملکرد افراد حساس بوده و گاه به دلیل عدم رعایت قوانین، برای آن‌ها مجازاتی نیز در نظر می‌گرفتند. این نوع تخصصی شدن وظایف در قانون تجارت که به‌ویژه برقراردادهای ویژه و بازرگانی نظارت دارد آشکارتر است؛ مانند قرارداد بین مالک کشتی و ناخدا و کارکنان کشتی، با این همه‌دراین موارد نیز، میان کلیت نسبی مقررات حقوقی و گوناگونی وظایف خاصی که روابطشان با این مقررات تنظیم می‌شود فاصله بزرگی وجود دارد و به همین دلیل عرف و عادت در حقوق تجاری مقام مهمی داراست. حتی اگر قانون تجارت ناظر بر قرارداد به معنای خاص کلمه نباشد، دستکم برخی از وظایف ویژه، مانند وظیفه ناخدا، سرهنگ، سکانی، جاشو، ماشوه‌ای و

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

معلم در صورت نیاز به کارپردازی اداری و گمرکی،را تعیین می‌کند تا همبستگی تمامی اجزاء دستگاه تجاری تأمین می‌شود.

دورکیم قواعد حقوقی را حالت بالفعل و عینی شده‌ی همبستگی اجتماعی می‌داند. هر جا که زندگی اجتماعی از دوام و قوام بیشتری برخوردار باشد آن جامعه نیز به وضع قوانین حقوقی بیشتر تمایل خواهد داشت زیرا پایداری و ثبات اجتماعی،خود ناشی از افزایش روابط میان افراد است که تبعیت از یک ساختاربندی سازمانی را می‌طلبد. (تنهایی، 308:1391)

ینگر(1387) دین را هرگونه نظام باور داشتی که به مردم در برخوردشان با مسائل غایی زندگی بشر کمک کند، به شمار می‌آورد که آیین‌ها نیز جزئی از این باور داشت‌ها به‌حساب می‌آیند؛زمانی که در میان اقیانوس گرفتار طوفان سهمگین می‌شوید یا هر حادثه دیگری که برای شما ممکن است اتفاق بی افتد و هیچ کاری از شما برای رهایی از این مصیبت ساخته نباشد،تنها یک‌راه می‌ماند و آن اتکاءبه یک قدرت معنوی است در شرایطی که از قدرت‌های دیگر کاری برای انسان ساخته نباشد و دستیابی به آرامش و وقار در برابر بداقبالی و رنج،زمانی که از کوشش‌های دیگر برای از بین بردن بدبختی،بهره‌ای نبرده باشیم. به تعریف ینگر« دین کوششی است برای برخورد با مسائلی که به‌صورت دیگر و یا با وسایل دیگر نمی‌توان با آن‌ها برخورد کرد»او معتقد است که باور داشت‌های خصوصی یک دین را نمی‌سازند،بلکه تنها زمانی می‌تواند از یک دین صحبت کرد که شخص آموزه‌ها و عملکردها را در یک گروه اجتماعی پذیرفته و به آن‌ها عمل کند؛این مسائل در اصل برای آن جنبه غایی دارند که بر هم‌گروهی‌های بشری تأثیر می‌گذارند.

ازآنجایی‌که جهاز را به‌عنوان جامعه در نظر گرفتیم می‌توان گفت که بدون همکاری جاشوها و سایر خدمه،ناخدا به‌تنهایی نمی‌تواند به همه کارهای موردنیاز در سفر دریایی رسیدگی کند؛ بنابراین به خدمه برای همکاری متوسل می‌شود و برای برآوردن این نیازها چون فرد (ناخدا)در میان جمع است باید اهداف مشترکی وجود داشته باشد چراکه نیازهای مشترک،اهداف مشترکی را نیز می‌طلبد که در اینجا علاوه بر تجارت و کسب

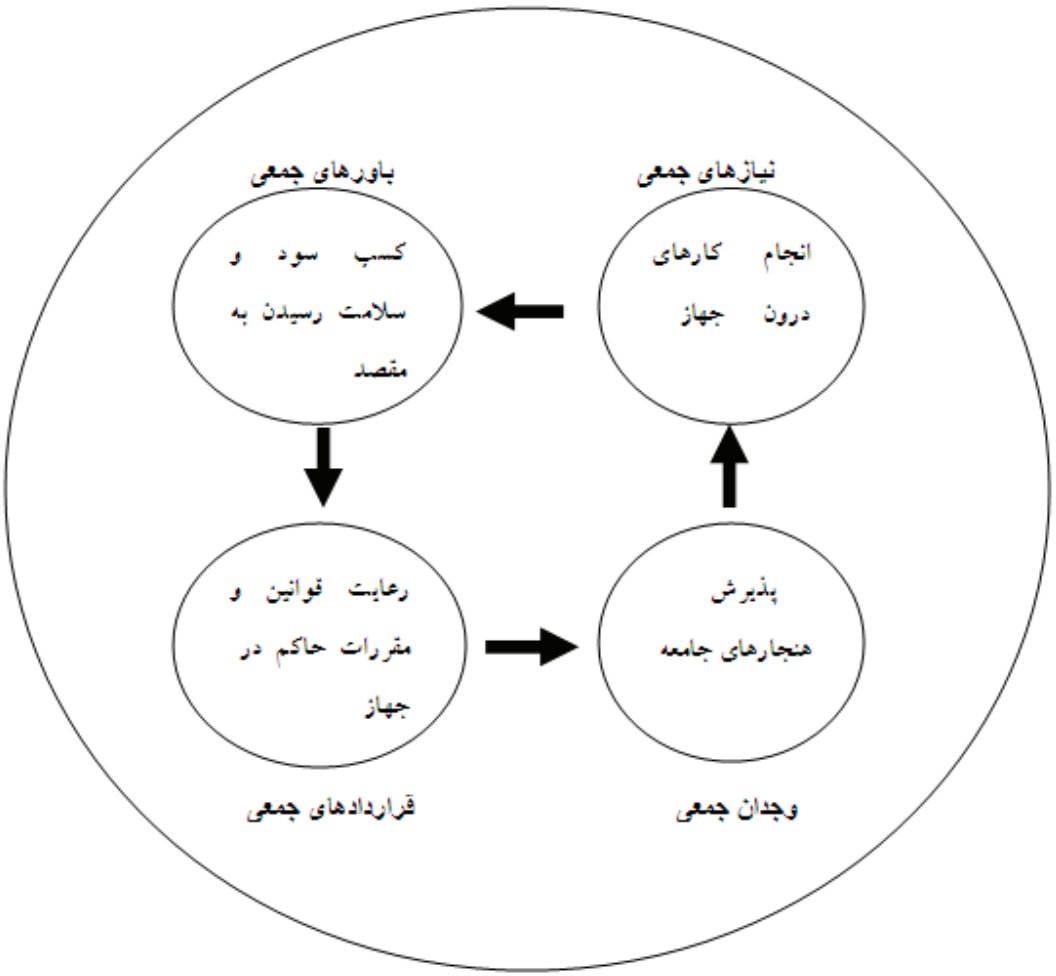
[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

سود، زنده ماندن و سلامت به مقصد رسیدن نیز از اهداف مشترک کارکنان جهاز بادبانی است. به‌عبارت‌دیگر نیازهای جمعی[9] در جهت دستیابی به اهداف مشترک است. ولی اینکه چگونه باید به این اهداف مشترک رسید و این اهداف به چه شکلی باید صورت‌بندی شوند به باورداشتهای جمعی[10] بازمی‌گردد. انسان دارای باورها، اعتقادات، تفکرات و ارزش‌هایی است که بر اساس آن‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه، جامعه‌ی خود را می‌سازد. بنابراین شرط اساسی دستیابی به اهداف، پاسخ‌گویی به نیازهاست و نیازهای متفاوتی در جهاز هست مانند برافراشتن بادبان، کشیدن لنگر، جمع‌کردن تور ماهیگیری و سایر کارها، برآوردن این نیازهاست که آیین‌های دریایی مانند رزیف را به وجود می‌آورد و با اجرای این آیین‌ها و باورداشتهای جمعی و همبستگی، می‌توان به اهداف مشترک دست‌یافت. با توجه به اینکه نیازها بر اساس باورداشتهای مشترک شکل و سامان می‌گیرد بنابراین ضروری است که باورها، مدون و قانونی و حقوقی شوند ازاین‌روی ناگزیر قراردادهای جمعی[11] ایجاد می‌شود و بدین ترتیب است که ساختار حقوقی ضمانت اجرایی پیدا می‌کند و موردتوافق جمع قرار می‌گیرد و میزان حق‌وحقوق هر کس با توجه به شغل و کاری که در جهاز برعهده‌گرفته است مشخص می‌شود.

وقتی این قوانین و توافق‌ها در جامعه‌ای استوار و پابرجا می‌شود و شیوه‌ای برای عمل و رفتار اجتماعی قلمداد می‌گردد در ساختار ذهنی افراد تأثیر عمیق گذارده و پایداری ذهنی ایجاد می‌کند و قانون درونی شده به‌صورت یک ارزش تأثیر می‌گذارد و در این حالت باوجدان جمعی[12] شکل‌گرفته روبه‌رو هستیم که به اثرگذاری یک نظام تربیتی نیاز دارد تا بتواند وجدان جمعی را به نحو درستتری در افراد درونی کند و بدین ترتیب فرا گرد سوسیالیسم فرهنگی دورکیم انجام می‌پذیرد. (تنهایی، 277:1391)

[9] Collective Needs
[10] Collective Beliefs
[11] Collective Contracts
[12] Collective Canscience

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]



شکل 1 الگوی ساختاری

سیستم در آیین رزیف

نتیجه‌گیری

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

ضرورت و اعتبار آیین‌ها در ایجاد نظم اجتماعی و وجدان جمعی از طریق پیوند خوردن این نظم با یک جهان نشانه‌ای،برای افراد جامعه تثبیت می‌شود.این جهان فرا طبیعی و فرا تجربی به‌صورت سرچشمه هدف‌ها و ارزش‌های غایی نمایانده می‌شود و این ارزش‌ها و هدف‌ها،از طریق همین جهان نشانه‌ای،ضروری و توجیه‌پذیر نشان داده می‌شوند.

معنای نشانه قائم‌به‌ذات نیست بلکه نسبی است؛ بنابراین، نشانه با قرار گرفتن در شرایط اجتماعی و موقعیت خاص است که معنا می‌یابد.به سخن دیگر، نشانه‌ها و به‌خودی‌خود معنا ندارند بلکه در ارتباط با سایر نشانه‌ها در درون این ساختار و سیستم است که معنا می‌یابند.جامعه رابطه‌ای بین اجزایی از افراد و گروه‌های کوچکتر است،اما جمع جبری اجزاء نیست، پس رابطه بین اجزا و کل یعنی جامعه است که در آن کل،فعالیت‌های اجزا در خدمت حفظ وحدت و انسجام کلی است و کل متقابلاً در خدمت برآوردن نیازهای اجزا است.بنابراین اجزا از طریق نظام ارتباطی بین خود کل را به وجود می‌آورد و کل به اجزا هویت می‌بخشد.در این فرایند نیازهای اولیه به امور اجتناب‌ناپذیر فرهنگی تبدیل می‌شوند و مردم آن را درونی می‌کنند. انجام اعمال رزیف در زمان و مکان معین آن را به یک عمل فرهنگی تبدیل می‌کند و حتی شرکت‌کنندگان از طریق اعمالی که انجام می‌دهند و آنچه انجام نمی‌دهند، در همین نسبت جز و کل،هویت جمعی پیدا می‌کنند.

اعتقاد به مشیت الهی شامل اعتقاد به وجود قدرت‌هایی است که دلسوز انسان‌ها هستند و می‌توانند آن‌ها را در زندگی یاری کنند،چنین باور داشت‌هایی موجب تسلی شده و ظرفیت واقعی انسان‌ها را در هنگام کنش مؤثر در برابر مشکلات بالا می‌برد.گرد هم آمدن افراد در اجرای رزیف با اهداف و منافع مشترک اشاعه و حفظ سنت‌های گذشتگان نه‌تنها موجب منفعت است،بلکه باهم بودن نیز برای آن‌ها لذت‌بخش و بازتولید همان شرایط فرهنگی است چراکه تنها در این شرایط است که آدمی می‌تواند احساس کند در محیطی سرشار از دشمنی و کینه‌توزی رها نشده است؛او به این دلیل به زندگی در جمع رضایت می‌دهد که از یک زندگی اخلاقی همگنی برخوردار شود.وجدان جمعی این کار را با کمک دسته‌بندی‌های فرهنگی انجام می‌دهد.برای این

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

کار نخست بسته‌های فرهنگی را در میان اجزاء جامعه اشتراکی کرده و آن‌ها را در عروسی‌ها وارد می‌کند به عبارتی فرا گرد بازتولید اجتماعی سازی یا اشتراک‌سازی از راه‌ها و اهداف فرهنگی عمل می‌نماید،سپس عناصر مهم وجدان جمعی اشتراکی شده را که به دسته‌های اطلاعاتی یا بسته‌های فرهنگی و هنجاری تبدیل‌شده است با نقش‌های اجتماعی خاصی همراه کرده و سپس با تفویض نقش اجتماعی به اجزاء عناصر مهم موجود در شکل 1 را در خلال فرا گرد تقسیم‌کار در افراد درونی کرده می‌کند و آن‌ها را به‌نظام اجتماعی وصل می‌سازد. ازآنجایی‌که در نظام نظری دورکیم بین نظام اجتماعی و نظام فرهنگی تطابق و سازگاری وجود دارد (زیرا نظام فرهنگی موجود در اندیشه انسجام گرایان نماد نظام اجتماعی است)،بنابراین تغییرات خلاف نظام اجتماعی مطلوب نیستند، بدین ترتیب تغییراتی که در آیین‌ها به‌عنوان نماد نظام فرهنگی به‌مرورزمان دریک فرایند تکاملی روی می‌دهد تغییراتی است که می‌توانند تدریجی و به‌شرط هماهنگی با نظام اجتماعی به شیوه‌ای هماهنگ رخ دهد. در سفرهای دریایی بزرگ که چندین ماه به طول می‌انجامد در صورت هرگونه سرخوردگی، ناکامی ، رنج و حتی برخورد با مساله غایی زندگی بشری یعنی مرگ، نظم درونی و انسجام اجتماعی به هم خواهد ریخت؛آن‌ها از طریق مشارکت در مناسک و آیین‌هایی مانند رزیف است که قدرت اخلاقی جامعه را آشکارا احساس می‌کنند و احساسات اخلاقی و اجتماعی خود را از همین طریق تقویت و تجدید می‌سازند. همین مناسک است که احساسات دینی را ایجاد، تقویت و تجدید می‌کند و حس وابستگی به یک قدرت معنوی و اخلاقی را که درواقع همان جامعه است، تشدید می‌نماید. همین مناسک و ماهیت جمعیِ چنین گردهمایی است که این‌همه شور و شوق برمی‌انگیزد و شرکت‌کنندگان را نسبت به اهمّیّت گروه و جامعه در قالب آیین‌های دینی آگاه می‌کند. بدین‌سان مناسک، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند؛به این صورت که جامعه نیاز به آن دارد که افراد امیال و کشش‌هایشان را تابع احکامی سازند که برای نظم اجتماعی ضروری‌اند. هدف‌های گروهی، ارزش‌هایی غایی و نظایر آن فطری نیستند،بلکه باید با وسایلی حفظ شوند. برای دستیابی به این مهم، هدف‌های گروهی و ارزش‌های غایی باید با کشش‌های فردی پیوند یابند؛هنجارهای اجتماعی دستورالعمل‌ها

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

یا بایدونبایدهایی هستند که انسان را مکلف به انجام کاری می‌کند و یا از آن بازمی‌دارد. هرگاه هنجارهای اجتماعی مصداق خارجی پیدا کردند به رفتار اجتماعی تبدیل می‌شوند و تکرار هر رفتار اجتماعی خاص به تحکیم موقعیت به هنجار موردنظر در جامعه کمک می‌کند. باید توجه داشت که رفتار اجتماعی در محدوده‌ی مقررات و موازین معمول در جامعه عمل می‌نماید؛ درنهایت اعمال و رفتار آدمی دارای سیری کاملاً بسته هستند که به‌عنوان انجام‌وظیفه یا کارکرد اجتماعی قلمداد می‌شوند. زندگی اجتماعی سامانمند میان انسان‌ها، به حضور برخی احساسات در اذهان اعضای جامعه بستگی دارد. این احساسات، رفتار افراد را در ارتباط با دیگران نظارت می‌کند. می‌توان گفت که مناسک بیان نمادین و تنظیم‌شده برخی احساسات هستند. پس می‌توان نشان داد مناسک کارکرد اجتماعی خاصی دارند که ضمن تنظیم و حفظ احساساتی که مبنای ساختمان جامعه را تشکیل می‌دهند، آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. به نظر می‌رسد بیان باورداشتهای همگانی از طریق مناسک دسته‌جمعی، دل‌بستگی افراد را به هدف‌های گروهی تشدید می‌کند؛ همچنین عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت می‌کند و این هنجارها را بالاتر از منافع خصوصی قرار می‌دهد و یگانگی افراد جامعه را با همدیگر تقویت می‌کند و تمایز آن‌ها را از اعضای اجتماعات یا ملت‌های دیگر تشدید می‌کند. رزیف یک نقش یا کارکرد پنهان نیز دارد و اینکه با عنوان فعالیت‌های جمعی حس اشتراک هنجارها و ارزش‌های جمعی و درنتیجه تعلق، هویت، انسجام و وحدت جمعی را تقویت می‌کند. با این وصف، مناسک گروهی در خدمت حفظ منافع جمعی هستند؛ چراکه همبستگی اجتماعی را تضمین می‌کنند و سلامت روحی و روانی اجتماع را به ارمغان می‌آورند. به‌هرحال ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی برای ادامه حیاتِ مفید و ثمربخش جوامع، بسیار مهم و تعیین‌کننده است و جشن‌های گروهی ابزار مناسبی برای ایجاد چنین همبستگی اجتماعی به شمار می‌روند؛ چراکه معمولاً برگزاری جشن‌ها با هر عنوان و علّتی که باشند، مورد استقبال عموم مردم قرار می‌گیرند. هر امری که شادابی، نشاط، همبستگی و انسجام اجتماعی را همزمان به وجود می‌آورد، شایسته آن است که بیشتر ازآنچه امروز هست، موردعنایت قرار گیرد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

منابع:

آرون،ریمون(1387)مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی،مترجم باقر پرهام،تهران:انتشارات علمی و فرهنگی.

تنهایی،ح.ا(1391)بازشناسی تحلیلی نظریه های مدرن جامعه شناسی در مدرنیته میانی،تهران:نشرعلم.

دورکیم، امیل(1390)درباره تقسیم کار اجتماعی،مترجم باقرپرهام،تهران:نشر مرکز.

دیلینی،تیم(1391)نظریه های کلاسیک جامعه شناسی،ترجمه بهرنگ صدیقی، وحید طلوعی،تهران:نشرنی.

دریایی، احمد نور(1384)مراسم آیینی و فولکلور مردم بندرکنگ،تهران:نشراحسان.

رایین، اسماعیل(1356)دریانوردی ایرانیان،جلد دوم، تهران:انتشارات جاویدان.

رودنبولر، اریک دبلیو(1389)ارتباطات آیینی،ترجمه عبدالله گیویان،تهران:دانشگاه امام صادق.

سجودی،فرزان(1388)نشانه شناسی از نظریه تا عمل،تهران:انتشارات علم.

سجودی،فرزان(1390)نشانه شناسی کاربردی،تهران:نشرعلم.

سنسون،گوران(1390)"مفهوم متن در نشانه شناسی فرهنگی"،درنشانه شناسی فرهنگی تالیف یوری لوتمان و دیگران،گروه-مترجمان،تهران:نشرعلم.

شریفیان،محسن(1384)اهل زمین؛ موسیقی و اوهام در جزیره خارگ،تهران:مرکز نشر و تحقیقات قلم آشنا.

فلیک اووه(1391) درآمدی بر تحقیق کیفی ،ترجمه هادی جلیلی ،تهران، نشر نی، چاپ پنجم.

لوتمان،یوری و بی ای اوسپنسکی(1390)"در باب سازوکار نشانه شناختی فرهنگ"، درنشانه شناسی فرهنگی تالیف یوری لوتمان و دیگران،گروه‌مترجمان،تهران:نشرعلم.

نوربخش ،حسین(1374)بندرکنگ شهر دریانوردان و کشتی سازان،چاپخانه علامه طباطبایی:ناشرمولف.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

همیلتون،ملکم (1387) جامعه شناسی دین،ترجمه محسن ثلاثی،تهران:نشر ثالث.

A Sociological Analysis of Rezif Marine Ritual in Bandar Kong

The study of popular culture through various media like poetry, fiction, music, beliefs, apothegm, and especially social rituals seems to be possible. The recognition and analysis of the traditional rituals pave the way for understanding the masses worldview in any age and country. Rezif dance is one of the old rituals of the coastal people of Hormozgan especially Bandar-Kong, which is one of the important ports in the history of Iran's maritime. The mentioned ritual has been of particular importance in the celebrations and the festivals throughout several centuries. Based on Emile DurKheim's sociological theories and through the cultural semiotics methodology, the present paper attempts to describe the types of movements andthe music,and also to analyze the elements and the constituent social functions of this ritual.The results show that the rituals are very important and helpful in forming the collective conscience and maintaining the social solidarity in order to make the society continuea useful and productive life.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]